

دکتر حسن افراخته *

نقش ساختار جمعیتی ایران در توسعه و ارتباط آن با آموزش نیروی انسانی

مقدمه :

جمعیت از دیدگاه نوین توسعه ، ابزار ، وسیله کار و بهر—ره—گیرنده نهایی روند توسعه محسوب می شود (۱) . این بینش ، جمعیت را تنها یک مقوله کمی تلقی نکرده بلکه ساختار کیفی آن را مورد توجه قرار می دهد. بنابراین شناسایی ساختار جمعیت اولین گام برنامه ریزی توسعه متعادل می باشد. در این زمینه تحقیقات جمعیتی و آگاهی از توانایی ها ، توزیع ، ترکیب ، نیازها ، ارزشهای فرهنگی و مشخصات اقتصادی و اجتماعی جمعیت می تواند برنامه ریزان را در تهیه و تدوین برنامه های مناسب اجتماعی و اقتصادی یاری دهد.

این مقاله با تکیه بر مطالعه میدانی و استفاده از منابع و مآخذ بعد از معرفی ویژگیهای جمعیت متناسب ، ساختار جمعیتی ایران را با حد مطلوب جمعیت مورد مقایسه قرار می دهد تا تنگناهای آن در روند توسعه مشخص گردد. آنگاه نقش آموزش نیروی انسانی در این بی تناسبی

* عضو هیات علمی جغرافیا دانشگاه سیستان و بلوچستان.

مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد، در پایان نقطه نظرهای اصلاحی ارائه خواهد شد.

حدمتناسب جمعیت :

حدمتناسب جمعیت عبارت است از ایجاد بهترین تعادل ممکن بین منابع و تعداد جمعیت یک سرزمین. در این صورت تمام جمعیت فعال جذب می‌شود. کالری لازم به بدن رسیده و بیش از ۵۰ درصد درآمد در زمینه غیرغذایی صرف می‌شود. از نظر دموگرافیک عدمتناسب جمعیت موقعی است که تراکم جمعیت و ساختمان آن از لحاظ ترکیب طبقات سنی و گروه‌های مشاغل اجتماعی متناسب باشد به طوری که هزینه و مخارج عمومی برای طبقه فعال بزرگسال کمرشکن نبوده و تعداد همین طبقه بزرگسال از ۵۰٪ کل جمعیت کمتر نباشد (۲).

اضافه جمعیت عبارتست از عدم تعادلی که بین تعداد زیادی از جمعیت با میزان منابع تولیدی محدود به وجود می‌آید. زمانی سرزمینی را مواجه با اضافه جمعیتی مفرط می‌دانیم که عرضه اشتغال در آن سر - زمین نتواند سطح زندگی عمومی را مستمرا در ترقی نگاه دارد (۳). به این ترتیب در حد مطلوب جمعیت باید :

- ۱ - جمعیت با منابع در حال تعادل باشد.
- ۲ - توزیع جمعیت در سرزمین متناسب باشد.
- ۳ - ترکیب سنی جمعیت هماهنگ باشد.
- ۴ - تمام جمعیت فعال جذب شود و بیکاری وجود نداشته باشد.
- ۵ - توزیع جمعیت فعال در بخش‌های سه‌گانه مشاغل اجتماعی متوازن باشد.

اکنون هریک از شاخص‌های مذکور در ارتباط با جمعیت ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد:

توان طبیعی ایران برای پذیرش جمعیت :

از ۵۱ میلیون هکتار اراضی قابل کشت کشور تنها حدود ۳۱٪ - ۱۶ میلیون هکتار با بازدهی کمتر از حد متعارف بهره برداری می شود.

از ۱۲۰ میلیارد متر مکعب آبهای قابل استفاده در کشاورزی تنها ۵۸ میلیارد متر مکعب استفاده می شود که دو سوم آن نیز به دلیل عدم بهره برداری درست و منطقی سیستم آبیاری هدر می رود از پنج میلیون متر مکعب امکانات تولید چوب های جنگلی در سال ، تنها ۱/۳ میلیون متر مکعب برداشت می شود. از ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تن ماهی خوراکی قابل بهره برداری ، تنها ۲۰ تا ۳۰ هزار تن بهره برداری می شود . از ۷۰۰ تا ۷۵۰ هزار تن امکانات تولید گوشت قرمز به علت بازدهی کم ناشی از کمبود بهداشت ، درمان و به نژادی ، تنها ۲۰۰ - هزار تن استفاده می گردد. از ۲۵۰ هزار تن امکان تولید گوشت مرغ ، ۲۲۰ هزار تن تولید می شود . از ۵۰۰ هزار تن امکان تولید شیر به علت بازدهی ناچیز که مولود دامداری سنتی است ، ۳۴۰ هزار تن دستیاب می شود (۴).

در سال ۱۳۶۴ در کل کشور یک میلیون کندوی زنبور عسل موجود بود در حالی که ظرفیت گیلان و مازندران از این حیث دو میلیون کندو است (۵).

طبق گزارش F.A.O ایران از نظر سطح زیرکشت در میان ۲۹ کشور تولید کننده غذای جهان در مرتبه هشتم و از نظر عملکرد در مرحله بیست و ششم قرار دارد.

از معادن کشور هنوز مقداری ناچیز و اغلب به صورت انفجاری استفاده می شود که آن را هدر می دهد . صنعت فرش که زندگی پنسج میلیون نفر به آن بستگی دارد دچار رکود است (۶).

نفت ایران با برخورداری از نقش کلیدی در تامین مالی واردات

کشور ، در سطوح مختلف وابسته به خارج است که مشابه کشاورزی و - صنعت در رابطه با نیازهای امپریالیسم شکل گرفته و گسترش یافته است (۷).

نظام صنعتی ایران دچار تنگناهای جدی است زیرا صنایع قادر به تامین ارز مورد نیاز خود نمی باشد. کالاهای مصرفی ۶۵ درصد تولیدات صنعتی ایران را تشکیل می دهد (۸).

موارد مذکور نشان می دهد که عدم تعادل بین جمعیت و منابع ایران و مشکلات کشور ناشی از فقدان امکانات به طور کلی نیست . کشور ژاپن جمعیتی برابر ۱۲۵ میلیون نفر را در خاکی به وسعت ۳۷۷۳۸۴ کیلومتر مربع جا داده است و مشکل " اغاضه جمعیت " ندارد. این درحالی است که کشور ژاپن در سال ۱۹۷۵ از نظر مس ۸۲/۹ درصد روی ۶۱/۷ درصد ، آلومینیم ۱۰۰ درصد . آهن ۹۰ درصد . زغال ۸۵/۹ - درصد ، نفت ۹۹/۷ درصد ، گاز طبیعی ۷۳/۶ درصد ، اورانیوم ۱۰۰ درصد. چوب ۵۸ درصد به دنیای خارج وابستگی داشته است (۹) . بنابراین - مساله ایران نافذ نبودن جمعیت و عدم توازن جمعیت در تجهیز منابع کشور است . زیرا ضعف ریشه‌ای و بنیادی نیروی انسانی شاغل دارد و - محتوای علمی - آموزشی ناتوانی نیروی انسانی را می رساند. در سال ۱۳۶۵ از ۱۱ میلیون جمعیت شاغل کشور ۵۹/۶ درصد باسواد، و از بیسن آنها ۷۸/۹ درصد دارای سواد ابتدایی ، ۱۶/۶ درصد سواد متوسطه و ۴/۵ درصد تحصیلات عالیه داشته‌اند.

در همین سال ۶۵/۶ درصد کارکنان بخش صنعت باسواد، که از بین آنها ۱/۷ درصد دارای تحصیلات عالی و ۸۶/۳ درصد دارای تحصیلات کمتر از متوسطه و ابتدایی بوده‌اند (۱۰) . علم و تکنولوژی ایران به لحاظ کیفیت نیم درصد تا یک درصد کشورهای پیشرفته است . در راه توسعه ، مرزی بحرانی وجود دارد که با گذر از آن توسعه یافتگی کاملاً محتمل است و از آن پس نیروی داخلی و توان موجود کفاف توسعه سریع را

می دهد. این مرز برای کمیت حدود ۲۵ درصد برای کیفیت حدود ۱۰ درصد است. به طور مثال این مرز برای فیزیک ایران معادل یک هزار نفر فیزیکدان با حدود یکصد مقاله پژوهشی در سطح بین المللی در سال است، حال آن که اکنون ۲۰۰ نفر با حدود سالانه ۱۰ مقاله در این زمینه فعالیت دارند (۱۱).

توزیع جمعیت در سرزمین :

نقشه شماره ۱ نشان می دهد که در توزیع جمعیت کشمیر، ناهمواری و اقلیم اثرات قاطعی اعمال کرده است. میزان تراکم جمعیت در شمال، غرب و جنوب به مراتب بیشتر از مشرق و جنوب شرقی می باشد.

این الگوی توزیع جمعیت حاصل مقتضیات محیط طبیعی می باشد. تبعیت توزیع جمعیت از ناهمواری و اقلیم باید در متن اقتصاد معیشتی کشور جستجو شود، ناهمواری و اقلیم از عوامل مهم توزیع جمعیت در تمام سرزمین هایی است که جامعه وابسته به زمین است و کشاورزی غالباً با روش سنتی انجام می شود (۱۲).

توزیع جمعیت بر حسب سکونتگاههای مختلف :

توزیع جمعیت در سکونتگاههای شهری و روستایی نا متعادل است وجود تعداد بسیار زیادی روستاهای کوچک و کم جمعیت و تعداد اندک شهرهای بسیار بزرگ و پر جمعیت، رشد و پیدایش سکونتگاههای خود رو بویژه در اطراف تهران و شهرهای بزرگ (۱۳)، جنبه دیگری از توزیع ناهمگون جمعیت در ایران است.

توزیع جمعیت شهری ایران در ۴۹۶ مرکز شهری در سال ۱۳۶۵ در منحنی لورنس (نمودار شماره ۱) نمایش داده شده است. طبق این نمودار ۹۹/۶ درصد شهرهای ایران ۷۲/۰۵ درصد جمعیت شهری را دارند

در مقابل ۰/۴ درصد شهرهای کشور ۲۷/۹۵ درصد جمعیت شهری را دارا هستند.

بخشی از این افزایش بی رویه جمعیت شهری مولود رشد طبیعی جمعیت ایران است. که در سال های ۷۰ - ۱۳۶۵ با نرخ ۲/۱۷ درصد ادامه داشته و خواهیم دید که این پدیده ارتباط نزدیکی با مسائل آموزشی و فرهنگی دارد. از جانب دیگر رشد شهرنشینی ناشی از مهاجرت گسترده روستاییان است که سبب شده رشد جمعیت شهری در فاصله زمانی ۷۰ - ۱۳۶۵ به دو برابر رشد جمعیت روستائی (۴/۰۲ درصد در مقابل ۲/۱۳ درصد) و در استان های کردستان ، هرمزگان رشد جمعیت شهری به ترتیب به ۶/۵ و ۴/۵ درصد افزایش یابد (۱۴). گرچه مهاجرت روستائیان از دلایل متفاوت و گاه متضاد سرچشمه می گیرد. اما به هر حال پویا کردن نیروهای انسانی موجود در هر منطقه در جهت بالا بردن سطح زندگی و رفاه و به طور کلی توسعه منطقه می تواند تعدیلی در آن بوجود آورد. (۱۵).

ترکیب سنی جمعیت :

یکی از ویژگیهای جمعیتی ایران بی تناسبی ساختار سنی آن است. به طوری که نسبت افراد کمتر از ۱۵ سال به کل جمعیت در هیچ یسکاز سرشماریهای کشور کمتر از ۴۲/۴ درصد نبوده است. ولی درصد جمعیت فعال حجم ناچیزی را داراست (۱۶). (نمودار شماره ۲) مقایسه ترکیب سنی جمعیت ایران با ترکیب سنی جمعیت کشورهای آلمان و ژاپن در هر یک از گروههای سنی ، (جدول شماره ۱ و نمودار شماره ۳) نشان می دهد که :

جدول شمره ۱ : مقایسه ترکیب جمعیت ایران در هر یک از گروه‌های سنی با جمعیت کشورهای ژاپن و آلمان بر حسب درصد.

نام کشور	۱۴ - ۰ ساله	۲۴ - ۱۵	۵۹ - ۳۵	۶۰ ساله
ایران	۴۴/۶۰	۳۰/۲۰	۱۹/۹۰	۵/۳۰
ژاپن	۲۴/۳۶	۳۷/۰۸	۲۸/۵۱	۱۰/۰۵
آلمان	۲۳/۰۸	۲۸/۵۰	۳۰/۶۴	۱۷/۷۸

مآخذ : علی اصغر نظری ، ۱۳۶۸ ، ص ۵۵ .

در ایران درصد گروه سنی ۱۴ - ۰ ساله نسبت به دو کشور دیگر تقریباً دو برابر است . ولی درصد گروه سنین بالاتر از ۱۵ سال ایران نسبت به کشورهای ژاپن و آلمان کمتر است و این حاکی از جوان بودن ترکیب جمعیت ایران است . در نتیجه در ایران در برابر هر فرد سربار ۱/۲ نفر فرد فعال وجود دارد. در صورتی که این رقم برای ژاپن ۳/۱ نفر و برای آلمان ۳/۳ نفر است. به این ترتیب ایران در بین کشورهای جهان کمترین میزان جمعیت فعال نسبت به جمعیت سربار را داشته و از این نظر از کشورهای چین و فیلیپین هم پیشی گرفته است . (۱۷) .

تاسف آور اینکه جمعیت سربار در نقاط روستائی کشور نسبت به نقاط شهری بیشتر است و در مقابل هر فرد سربار ۱/۰۵ نفر فرد فعال وجود دارد. (۱۸)

همچنین بار تکفل در مناطق حاشیه نشین کشور که حجم عظیمی از جمعیت اطراف شهرهای تهران ، رشت ، کرمان ، شیراز ، بندرعباس ، تبریز ، کرمانشاه ، اهواز ، زاهدان و بسیاری از دیگر شهرهای ایران را تشکیل می دهد (۱۹) ، بسیار بالاست . بررسی نگارنده در پنج محله حاشیه‌ای شهر زاهدان نشان می دهد که در برابر هر فرد سربار تنها ۰/۵

نفر فرد فعال وجود دارد (۱۴ - ۵ ساله : ۶۵/۸ درصد، ۶۰ - ۱۵ ساله : ۳۰/۶ درصد، بالاتر از ۶۰ سال : ۳/۶٪) ، که با در نظر گرفتن سطح نازل کارایی ، بیکاری پنهان و بیکاری با نوان و با توجه به اینکه بخشی از جمعیت بالاتر از ۱۵ سال را افراد شاغل به تحصیل تشکیل می دهند ، وخامت اوضاع آشکارتر می گردد.

بامحاسبه دقیق این ارقام در سال ۱۳۷۵ ، از جمعیت ۵۷/۸ میلیون نفری کشور یک چهارم یا بصورت دقیق تر ۲۵/۲ درصد از نظر اقتصادی فعال بوده اند، (۲۲/۳ درصد شغل و ۲/۹ درصد بیکار جویای کار) یعنی در جامعه ما ۲۲ نفر کار می کنند تا زندگی خود و ۸۸ نفر دیگر را تامین کنند. تازه اگر همه جویندگان کار نیز بتوانند کاری دست و پا کنند، این رقم به ۲۵ خواهد رسید. این پدیده تنها معلول سیمای اقتصادی کشور نیست ، که از ترکیب جوان جمعیت تاثیر می پذیرد. (۲۰)

جوان بودن جمعیت مولود چند عامل است :

۱ - بالا بودن نسبت زنان واقع در سنین باروری به ویژه در سنین ۲۰ - ۳۴ ساله و در نتیجه بالا بودن میزان باروری ، تعداد زنان ۲۰ - ۳۴ ساله در سال ۱۳۶۵ ، ۲۲/۱۳ درصد کل زنان ایران را تشکیل می داد و میزان باروری عمومی ۲۴۷/۴ در هزار بوده است . (۲۱)

۲ - عمومیت ازدواج و وجود ازدواجهای زودرس ، بررسی نگارنده سن ازدواج را در محله های حاشیه ای زاهدان به شرح جدول شماره ۲ یافته است .

جدول شماره ۲ : سن ازدواج در محله‌های حاشیه‌ای شهر زاهدان

تعداد متوسط فرزندان خانواده	سن ازدواج		درصد بی‌سوادی پدر خانواده	نام محله
	زن	مرد		
۶/۵	۱۵/۵	۲۲	۵۱/۳	گرگیج
۴/۲	—	۲۰/۵	۴۷/۸	شیرآباد
۶/۴	۱۵/۷	۲۱	۸۰/۵	سیک سوزی
۵/۳	—	۲۱/۴	۳۱/۵	بابائیان
۵/۹	—	۲۱	۸۷/۸	کاراژها

منبع : بررسی محلی

در نتیجه دوران باروری طولانی‌تر و تعداد موالید بیشتر خواهد بود.

۳- بی‌سوادی جمعیت : بین بی‌سوادی جمعیت و تعداد فرزندان رابطه منطقی وجود دارد. بررسی نمونه‌ای از محله‌های مختلف زاهدان (جدول شماره ۲) نشان می‌دهد که بین بی‌سوادی پدران خانواده و تعداد فرزندان آنها ضریب همبستگی پیرسون (۲۲)، عددی برابر ۰/۷۲ خواهد بود، یعنی هرچه میزان بی‌سوادی بیشتر، تعداد فرزندان بالاتر خواهد بود. متأسفانه در سال ۱۳۷۰ هنوز از کل جمعیت ۶ ساله و بالاتر ایران ۲۵/۶ درصد و در مناطق روستایی ۳۶/۱ درصد بی‌سواد بوده‌اند. (۲۲)

ضریب همبستگی با سواد جمعیت شهری استانهای کشور با تعداد موالید آنها ۰/۴۶ است، یعنی با افزایش سواد جمعیت موالید کاهش می‌یابد. (جدول شماره ۳).

وضعیت تامین اشتغال نیروی فعال ایران :

جدول شماره ۴ وضعیت اشتغال نیروی فعال ایران را در سالهای

۷۰ - ۱۳۵۵ نشان می دهد. بر طبق این جدول در سال ۱۳۵۵، ۱۰/۲ درصد از نیروی فعال کشور بیکار بوده اند. در فاصله سالهای ۶۵ - ۱۳۵۵ - میزان بیکاری جمعیت شاغل هم از نظر قدر مطلق و هم درصد، افزایش یافته است و به ۱۴/۲ درصد نیروی فعال رسیده است. در این دوره سالانه به طور متوسط ۲۲۰۰۰۰ شغل تدارک دیده شده ولی ۳۰۵۹۶۴ نفر متقاضی وارد بازار کار شده اند. در فاصله زمانی سالهای ۷۰ - ۱۳۶۵ بطور متوسط سالی ۱۵۲۱۶۳ شغل ایجاد شده در حالی که ۱۷۰۹۶۹ نفر وارد بازار کار شده اند. از اینرو در سال ۱۳۷۰ نیز ۱۱/۴ درصد از نیروی فعال کشورمان بیکار بوده اند و این کاهش نسبی تعداد بیکاران از ۱۴/۲ درصد، در سال ۱۳۶۵ به ۱۱/۴ درصد، در سال ۱۳۷۰ بیشتر ناشی از کاهش بیکاری در مناطق شهری است که از هر ۱۰۰ نفر جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر جویای کار ۹۰ نفر پاسخ مثبت دریافت کرده و ۱۰ نفر همچنان جویای کار باقی مانده اند، در حالی که این رقم در سال ۱۳۶۵ به ترتیب ۸۵ و ۱۵ نفر بوده است. (۲۴)

تعداد واقعی بیکاران کشور بیشتر از آن است که آمارهای رسمی بیان کننده آن باشند. چه بسیارند کسانی که در محیط روستایی بازمین-های ناچیزی خود را مشغول کرده اند. برآورد نگارنده در زاهدان نشان می دهد که از بین سرپرستان خانوارها که پدر به عنوان تنها نان آور خانواده محسوب می شود بین ۵/۱ تا ۲۰/۸ درصد بیکارند و هیچگونه مشغله ای نداشته اند. این سرپرستان هرکدام مسئولیت خانواده چند نفر را به عهده دارند. (جدول شماره ۵)

جدول شماره ۲: میزان موالید و جمعیت با سواد در استان‌های مختلف ایران

میزان موالید در هزار نقاط شهری	جمعیت با سواد نقاط شهری	نام استان
۳۳/۵	۸۰/۲	تهران
۳۶/۵	۷۵/۷	اصفهان
۳۶	۷۸/۳	سمنان
۴۰/۲	۷۳/۱	یزد
۳۲/۳	۷۷/۲	گیلان
۳۸/۵	۷۶/۱	فارس
۳۸/۲	۷۳/۷	مرکزی
۳۶/۹	۷۴/۱	مازندران
۴۷/۲	۶۸/۲	بوشهر
۴۲/۷	۷۲/۳	کرمان
۴۳/۳	۷۱/۴	زنجان
۴۶	۷۰/۲	چهارمحال و بختیاری
۴۰	۶۹/۹	همدان
۴۲/۲	۷۱/۰	خراسان
۴۲/۴	۶۵/۲	باختران
۵۵/۵	۷۳/۸	کهگیلویه و بویراحمد
۴۷/۲	۷۰/۳	هرمزگان
۴۲/۹	۶۶/۴	لرستان
۵۰	۶۵/۲	ایلام
۳۳/۶	۶۴/۹	آذربایجان شرقی
۳۵/۸	۶۲/۵	آذربایجان غربی
۴۰/۳	۵۵/۱	کردستان
۵۴/۵	۵۱/۷	سیستان و بلوچستان
۴۲/۷	۷۱/۳	خوزستان

جدول شماره ۴ : وضعیت اشتغال نیروی فعال ایران:

مقاصد کار در سال	افزایش شغل در سال	افزایش شغل	افزایش شغل فعال	درصد بیکاری	جمعیت بی کار	جمعیت فعال	سال
۳۰۵۹۶۴	۲۲۰۰۰۰۰	۲۲۰۰۰۰۰۰	۳۰۵۹۶۴۶	۱۰/۲	۹۹۹۶۳۶	۹۷۹۶۰۵۶	۱۳۵۵
۱۷۰۹۶۹	۱۵۲۱۶۳	۱۵۲۱۶۳۰	۱۷۰۹۶۹۷	۱۴/۲	۱۸۲۵۵۰۹	۱۲۸۵۵۷۰۲	۱۳۶۵
				۱۱/۴	۱۶۶۰۴۵۵	۱۴۵۶۵۳۹۹	۱۳۷۰

منبع :

- علی اصغر نظری ، ۱۳۶۸ ، ص ۱۱۲ .
- هوشنگ امیراحمدی ، ۱۳۶۹ ، ص ۵۱ .
- نتایج اولیه آمارگیری جمعیت ، ۱۳۷۰ ، ص ۷ .

جدول شماره ۵: بیکاری در مرحله‌های حاشیه‌ای زاهدان

محلّه	گرگیج	سیک سوزی	بابائیان	شیرآباد	کاراژها
درصد بیکاری سرپرست خانوار	۱۱/۴	۱۰/۵	۱۰/۱۰	۲۰/۸	۵/۱
تعداد فرزندان خانوار	۶/۵	۶/۴	۵/۳	۴/۲	۵/۹

منبع: بررسی محلی.

متأسفانه حضور متقاضیان فراوان کار در شرایط رکود نسبی فعالیت‌های اقتصادی اثرات کاهنده‌ای بر بهره‌وری نیروی کار داشته است، بطوری که بهره‌وری نیروی کار در فاصله سالهای ۶۵ - ۱۳۵۵ - سالانه بطور متوسط ۳/۳ درصد کاهش داشته است. ر خدمات رابطه‌ای و غیر مولد و نیز افزایش اشتغال در بخش غیر رسمی که میزان آن تا حدود ۴۳ درصد کل اشتغال شهری برآورده شده از پی آمدهای حضور جمعیت مازاد بر امکانات اشتغال در کشور بوده است. (۲۵)

توزیع جمعیت فعال در مشاغل اجتماعی:

جدول شماره ۶ شاغلین کشور را برحسب گروه‌های عمده فعالیت در سالهای مختلف نشان می‌دهد.

جدول شماره ۶ : توزیع شاغلین برحسب گروه‌های عمده فعالیت

سال ۱۳۵۶	سال ۱۳۵۵	سال ۱۳۴۵	سال ۱۳۳۵	نوع مشاغل
۲۹/۱	۳۴	۴۶/۲	۵۶/۳	۱- کشاورزی
۲۵/۵	۳۴/۲	۲۷/۱	۲۰/۱	۲- صنعت :
۰/۳	۱	۰/۴	۰/۴	استخراج معادن
۱۳/۲	۱۹	۱۸/۵	۱۳/۸	صنایع
۱۱/۱	۱۳/۵	۷/۴	۵/۷	ساختمان
۴۵/۴	۳۱/۸	۲۶/۷	۲۳/۶	۳- خدمات

منبع : ابراهیم رزاقی ، اقتصاد ایران ، تهران ۱۳۶۷ ، ص ۱۱۷ .

بر طبق این جدول سهم کشاورزی در تولید اشتغال به تدریج کاهش پیدا کرده است . سهم صنعت نیز از ۱۳۵۵ به بعد کاهش یافته ولی سهم خدمات افزایش داشته است (نمودار شماره ۴) اگر چه در کشورهای پیشرفته جهان به تدریج جمعیت از بخش کشاورزی به صنعت و آنگاه به خدمات منتقل می‌گردد. ولی در ایران اولاً کاهش سهم نیروی انسانی در بخش کشاورزی به نفع بخش صنعت صورت نگرفته است . چرا که سهم صنعت نیز کاهش پیدا کرده است . و این دو بخش تولیدی به نفع خدمات، نیروی شاغل خود را از دست داده است . ثانیاً بخش کشاورزی که در سال ۱۳۵۵ ، ۳۴ درصد از نیروی کار را به خود اختصاص داده بود فقط ۸/۷ درصد از سهم درآمد ناخالص ملی را تامین کرده است و این از کیفیت پائین کشاورزی ایران حکایت می‌کند و واردات مواد غذایی چیزی نیست که بتوان منکر آن بود .

تعداد اندک شاغلین در فعالیتهای معدنی نسبت به کل شاغلین با توجه به وجود منابع معدنی گوناگونی در کشور و نیاز به استخراج و تبدیل مواد خام استخراجی به مواد قابل استفاده در صنایع برای دستیابی

به توسعه اقتصادی نشان دهنده عقب ماندگی در این زمینه است .
اشتغال بالا در بخش ساختمان با توجه به کمبود شدید مسکن در
شهرها به ویژه در تهران و شهرهای بزرگ نشانگر بازدهی پائین کار در این
بخش است .

افزایش تدریجی شاغلین بخش خدمات پس از افزایش شاغلیسن
بخش صنعت و در ارتباط با نیازهای آن عملی نگردیده است . رشد اشتغال
در بخش خدمات در ایران بدون ارتباط با صنعت داخلی امکان پذیر شده و
تامین مالی اشتغال غیر تولیدی بیشتر بر پایه افزایش صادرات نفت
صورت گرفته نه بر پایه افزایش تولید کشاورزی و یا تولید صنعتی . (۲۶)
اشتغال زیاد در بخش خدمات ، از وجود مشاغل انگلی و کاذب و
دستگردانی شدید کالاهای صحبت می کند ، چنانکه در بررسی نمونه ای در مرحله
های زاهدان نیز بخوبی وجود این مشاغل انگلی که تحت عنوان کار آزاد و
روزمزدی اعلام می شود قابل مشاهده است . (جدول شماره ۷)
جدول شماره ۷ : انواع مشاغل در مرحله های حاشیه ای زاهدان .

نام محله	گرگیج	سیک سوزی	بابائیان	شیرآباد	کاراها
روزمزد	۱۶/۶	۷۱	۳۸/۴	۲۳/۳	۲۸/۲
کارآزاد	۳۵/۵	۱۰/۵	۹	۱۶/۶	۵۶/۴

منبع : بررسی عملی .

با این توصیف وضعیت اشتغال در بخشهای مختلف تولیدی نیز
نشانگر عدم تناسب جمعیت ایران است .

نتیجه :

از مطالب گفته شده نتیجه گرفته می‌شود که جمعیت ایران از نظر پنج شاخص با " حد متناسب جمعیت " فاصله دارد:

- ۱- ناتوانی در تجهیز و تدارک منابع کشور . زیرا ضعف ریشه‌ای و بنیادی نیروی انسانی شاغل دارد و از نظر توان علمی و فنی قادر به حرکت چرخ اقتصادی کشور به سوی توسعه متعادل نمی‌باشد.
- ۲- توزیع ناهماهنگ جمعیت در سرزمین در دوزمینة : اول-توزیع جمعیت در سطح کشور به تبعیت از محیط طبیعی که نشانگر غلبه کشاورزی معیشتی است .

دوم وجود تعداد بسیار زیاد روستاهای کوچک و کم جمعیت در مقابل تعداد اندک شهرهای بسیار بزرگ و پرجمعیت که مولود رشد شدید جمعیت و مهاجرت گسترده روستائیان است . و بیانگر آن است که جمعیت پویایی لازم برای بالا بردن سطح زندگی و رفاه و توسعه مناطق را ندارد.

۳- ترکیب سنی جمعیت نامتعادل است . در مقابل انبوه جمعیت خرد سال ، تعداد اندک افراد بزرگسال و فعال وجود دارد. در نتیجه بار تکفل جمعیت سنگین است . ۲۲ نفر باید کار کنند تا هزینه زندگی ۱۰۰ نفر را تامین کنند. این پدیده نیز به موالید بالا و رشد سریع جمعیت بستگی دارد.

۴- فقدان اشتغال کامل جمعیت فعال . این موضوع نیز به دو عامل بستگی دارد:

- رشد شدید جمعیت .
- ضعف بنیه علمی و فنی جمعیت در تجهیز و تدارک منابع کشور .
- ۵- توزیع ناهماهنگ نیروی فعال در مشاغل اجتماعی : بخش های تولیدی (کشاورزی و صنعت) نتوانسته هماهنگ با رشد جمعیت تقاضای نیروی کار خود را افزایش دهد و جمعیت مازاد به مشاغل غیر مولدوانگلی

روی آورده‌اند.

همه موارد بالا ریشه در یک مساله دارد و آن واقعیت انکارناپذیر توسعه نیافتگی است. بررسی عوامل توسعه نیافتگی در فرصت این مقاله نیست، اما یکی از عوامل بنیادی فقر فرهنگی و بی سوادى و فقصدان موسسات اشاعه دهنده فرهنگ متعالی در سطح کشور است.

زیرا سواد به معنی صحیح، ابزاری است جهت بهره برداری - بهینه از محیط طبیعی و دستیابی به توسعه و تولید و رفاه اجتماعی. سرمایه‌گذاری برای پرورش ذهن افراد جمعیت و آموزشهای فنی، تخصصی و تولیدی موجد و مولد ارزش‌های بالفعل بیشتر و تسریع روند توسعه خواهد بود.

همانطور که پیشتر مذکور افتاد، بین با سوادى جمعیت و میزان موالید همبستگی قوی وجود دارد.

گسترش سواد سن ازدواج را افزایش، دوران باروری را کوتاه‌تر و تعداد موالید را کاهش خواهد داد. البته شرط چنین تحولی تغییرات بنیانی نظام اقتصادی، اجتماعی است و بالاخره این کلاف سردرگم باید از جایی باز شود.

مسائل فرهنگی، سواد و آموزش می‌تواند نقطه شروع کارودر عین حال همراه سایر تحولات نتیجه بخش باشد. آموزش سبب تغییر باورهای اجتماعی می‌شود. باورها را می‌توان در جهت تنظیم خانواده آموزش داد. این کار در کشورهای کره، فیلیپین، آمریکا، سیرالئون نتایج مثبتی داشته است. (۳۷)

گسترش سواد و آموزش صحیح و توسعه فرهنگی انسان را مسئول بارآورده و در باره آینده فرزندانى که ببار می‌آورد اندیشه خواهد کرد. این چنین افرادی بهتر برنامه‌تنظیم خانواده را می‌پذیرند.

گسترش سواد از هجوم افراد کم سن و سال به بازار کار و مسائل ناشی از آن نظیر کاهش بهره‌وری می‌کاهد. متأسفانه هنوز در کشور خیل

عظیم بچه ها را می بینیم که در مراکز مختلف به کار مشغولند. موالید بالا با عقب ماندگی اجتماعی، اقتصادی رابطه مستقیم دارد. تیموتی - کینگ " Timothy King " از مقامات بانک جهانی بسا استفاده از اطلاعات مربوط به ۱۹ کشور در حال توسعه محاسبه کرده است که ۵۴ درصد از کاهش موالید به پیشرفت های کلی اجتماعی، اقتصادی مربوط می شود. (۲۸)

به این ترتیب مشخص می شود که یکی از عوامل مهم موثر در بی تناسبی ساختار جمعیتی ایران، ضعف آموزش و عدم تمرکز سرمایه انسانی است. پروفسور فردریک هاربیسون می گوید: منابع انسانی پایه اصلی ثروت ملت ها را تشکیل می دهد. سرمایه و منابع طبیعی عوامل تبعی تولیدند، در حالی که انسان ها عوامل فعالی هستند که سرمایه ها را متراکم می سازند، از منابع طبیعی بهره برداری می کنند، سازمان های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را می سازند و توسعه ملی را به جلو می برند. به وضوح کشوری که نتواند مهارت ها و دانش مردمش را توسعه دهد و از آن در اقتصاد ملی به نحو موثری بهره برداری کند، قادر نیست که هیچ چیز دیگری را توسعه بخشد. (۲۹)

هدف های سنتی توسعه اغلب انسانها را وسیله و ابزار توسعه و هدف نهایی را رشد اقتصادی و تولید کالاهای بیشتر تلقی می کرد، اما از دیدگاه نوین توسعه، علاوه بر اینکه انسان وسیله توسعه است. هدف توسعه نیز هست. سرمایه انسانی و سرمایه مادی دو عامل مکمل یکدیگر در تولیدند و هر نوع عدم هماهنگی در انباشت و تشکیل این سرمایه - سبب می شود که در آینده ناهماهنگی های بیشتری در مسیر توسعه فراهم آید (۳۰).

از دیدگاه تحلیل اقتصادی جدید تولید ثروت تابعی از چگونگی کار و فعالیت انسانها یا به اصطلاح امروزی تر بهره وری است. بررسی تجربه کشور ایران در دهه های اخیر می تواند آزمون خوبی در ردتزه -

تنوالتوسی فراهم آورد. جامعه ما از لحاظ منابع طبیعی، وطنی‌دهه‌های اخیر از لحاظ منابع سرمایه‌ای، با مشکلات بازدارنده‌ای در جهت رشد اقتصادی روبرو نبوده است. (۳۱)

اکنون اغلب کشورهای در حال توسعه با توجه به تمام مشکلات سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی، پی برده‌اند که علت عقب ماندگی این کشورها تنها کمبود سرمایه طبیعی نیست، بلکه کمبود سرمایه‌های انسانی مانند مهارت‌های فنی و حرفه‌ای نیز، عامل مهمی در توسعه اقتصادی است. زیرا کمبود سرمایه انسانی منجر به کاهش ظرفیت‌های تولیدی اقتصادی می‌شود و در اینجاست که اقتصاد قادر نخواهد بود از سرمایه‌های طبیعی موجود استفاده کامل و مناسبی به عمل آورده این دلیل به عقیده بسیاری از اقتصاد دانان تمرکز سرمایه‌انسانی عامل مهمتری از تمرکز سرمایه مادی و طبیعی در جریان توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه است (۳۲).

بدون نیروی انسانی ماهر و نیمه ماهر که آن هم از طریق نظام آموزشی آفریده می‌شود، تامین رهبران خلاق و مبتکر، مدیریت توسعه و نیروی کار ماهر جهت توسعه هم در بخش عمومی و هم در بخش خصوصی به نحو اسفناکی ناقص است و نیل به این منظور تنها از طریق ارتقاء سطح علمی و دانش نیروی انسانی کشور حاصل می‌شود.

پیشنهادهای :

یکی از سازمان های مسئول آموزش نیروی انسانی کشور، نهضت سوادآموزی است ، گرچه این سازمان ، آموزش سوادخواندن و نوشتن را هدف خود قرار داده است ، اما باید اذعان کرد که بعد از گذشت حدود ۱۶ سال چنانکه باید و شاید این سازمان در اهداف خود موفقیت کامل نداشته و آیت اله جنتی در نماز جمعه قم در تاریخ ۱۳/۸/۷۳ اعلام می دارد که در کشور هنوز ۱۲ میلیون بیسواد وجود دارد.

تحقیقات نگارنده نشان می دهد که در بسیاری موارد افرادی که از طریق نهضت سوادآموزی با سواد شده بودند ، به دلیل عدم ارتباط آن آموخته ها با نیازهای شغلی به بیسوادی رجعت کرده اند. آیا رفع بیسوادی تنها به این معناست که به افراد بزرگسال ، آنهم از طریق آموزش رسمی سواد خواندن و نوشته آموخت ؟

پیشنهاد می شود این سازمان آموزش های فنی ، حرفه ای ، آموزش شیوه های نوین زندگی از جمله تنظیم خانواده و رعایت بهداشت و مسائل فرهنگی را در راس برنامه های خود قرار دهد. این منظور باید با رعایت نیازهای شغلی افراد برنامه ریزی شود. مثلا در مراکز صنعتی مطالب باید در ارتباط با نیازهای کاری روزانه آنها باشد که مسلما مسائل فنی، اقتصادی ، بهداشتی ، فرهنگی و خانوادگی نیز جزء آن خواهد بود. در نواحی کشاورزی شیوه های نوین تولید ، مبارزه با بیماری ها و آفات کشت ، در مراکز دامداری ، امور مربوط به بهسازی تولید و نیازهای آنان باید مد نظر باشد. و به این ترتیب نه فقط آموزش خواندن و نوشتن، بلکه فعال کردن نیروهای مولد و اعتلای فرهنگ اجتماعی و مهارت های شغلی افراد مورد توجه قرار گیرد. پرواضح است که برای دستیابی به این هدف سازمان چه در گزینش آموزشیاران یا در آموزش آنان نیازمند تجدید نظر اساسی است تا بتواند با استفاده از روشهای نوین و کمک وسایسل

آموزشی و وسایل سمعی و بصری در اهداف خود موفق باشد. آموزش متوسطه و دانشگاهی ایران نیز متأسفانه دچار مشکلات جدی است. ترک تحصیل دانش آموزان در طول دوره دبیرستان و اتمام سرمایه رایج است. در استان سیستان و بلوچستان از هر ۱۰۰ نفر کبه وارد نظام آموزش رسمی می شوند هنوز ۱۰ نفر قادر به اخذ دیپلم می شوند و بقیه در طول دوران تحصیل مدرسه را نیمه کاره ترک می کنند. فارغ التحصیلان دبیرستان جز در موارد انجام پاره‌ای امور اداری توان جذب در بازار کار را ندارند. متأسفانه این وضعیت در مورد دانشگاهها به گونه دیگری صادق است: هنوز درصد بالایی از فارغ التحصیلان دانشگاهها افرادی نیستند که بتوانند از آموخته های خود جهت بهره برداری از محیط و تجهیز و تدارک منابع استفاده کنند، زیرا هنوز دانشگاهها با بخش تولید و خدمات سازنده رابطه محکمی ندارند. هریک از سازمانها برای خود مجتمع آموزش عالی دایر کرده اند بدون اینکه متخصصین مورد نیاز را در اختیار داشته باشند. مثلاً کسی که در دبیرستان درسی عمومی تدریس می کند همان فرد در آموزش عالی جهاد، تدریس درس اختصاصی و باصطلاح کاربردی را بعهده دارد.

فعالترین دانش آموزان کسانی هستند که به دنبال پذیرش در کشور دانشگاهها می باشند و فعالترین دانشجویان را کسانی تشکیل می دهند که به دنبال قبولی در فوق لیسانس هستند و همینطور تا سطح دکتری، اما فارغ التحصیلان موفق سطح دکتری کسانی هستند که دو باره معلم دانشگاه شوند در صورتی که هیچ رابطه‌ای منطقی بین نظام امتحانات کنکور و گسترش خلاقیت و ابتکار و توان علمی و فنی افراد در شرایط فعلی وجود ندارد. ولی فعالیت های آموزشی در کلیه سطوح در راستای آن جهت گیری می شود.

در اصلاح این موارد ارائه پیشنهاد مشخصی مدنظر نیست. تنها پیشنهاد این است که بدون کوچکترین پیروی کورکورانه از فلان کشور

خارجی ، باید در سطح وسیعی از دانشمندان دلسوز و آگاه کشور نظر -
خواهی شود. نتایج نظرخواهی ها بدون گرفتار آمدن در چهارچوب های
تنگ گروهی در کمیسیون های تخصصی بررسی شود و نتیجه نهایی آن در
پیشگاه کلیه دست اندرکاران امور کشاورزی ، صنعتی ، خدماتی ،
اساتید دانشگاه های کشور به دفاع گذاشته شود تا بتوان الگوی
سازنده برای حل معضلات آموزشی کشور پیدا کرده و به گسترش خلاقیت-
ها و ابتکارات و استفاده منطقی از آنها در روند توسعه کشور کمک
نمود.



ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و ماخذ ویادداشت

- ۱- یوسف نراقی ، بعدانسانی توسعه ملی ، نگاه نو ، شماره ۱۲ ، سال ۱۳۷۱ ، صص ۱۴۵ - ۱۳۶ .
- ۲- یداد... فرید ، جغرافیای جمعیت ، دانشگاه تبریز ، چاپ دوم ، مرداد ماه ۱۳۵۳ ، صص ۲۲۹ - ۲۲۸ .
- ۳- ماکس درثو ، جغرافیای انسانی ، ترجمه سیروس سهامی ، نشررایزن جلد دوم ، تهران ، سال ۱۳۷۱ ص ۲۱۵ .
- ۴- ابراهیم رزاقی ، الگویی برای توسعه اقتصادی ایران ، چاپ اول ، نشر توسعه ، تهران سال ۱۳۶۹ ، صص ۱۳۵ - ۱۲۹ .
- ۵- پرویز ورجاوند ، پیشرفت و توسعه بر بنیادهویت فرهنگی ، شرکت سهامی انتشار ، سال ۱۳۶۱ ، ص ۱۵۲ .
- ۶- پرویز ورجاوند ، سال ۱۳۶۱ صص ۱۵۲ - ۱۴۵ .
- ۷- ابراهیم رزاقی ، اقتصاد ایران ، نشرنی ، سال ۱۳۶۷ ص ۵۲۱ .
- ۸- سیاوش گلابی ، سازمان مدیریت و توسعه منابع انسانی ، انتشارات فردوسی ، چاپ اول ، سال ۱۳۶۹ ، ص ۱۸۲ .
- ۹- جان هالیدی و گاوآن مک کورماک ، امپریالیسم ژاپن ، ترجمه محمدرضا رضاخانی ، چاپ اول ، سال ۱۳۵۵ ، نشرچاپخش ، تهران ، ص ۳۴ .
- ۱۰- سیاوش گلابی ، سال ۱۳۶۹ ، صص ۱۸۵ - ۱۸۲ .
- ۱۱- رضا منصوری : " آیا و چگونه توسعه علمی ایران امکان پذیر است؟ " فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی شماره ۳ زمستان ۱۳۷۱ ، ص ۲۵ .
- ۱۲- علی اصغر نظری ، جغرافیای جمعیت ایران ، چاپ اول ، تهران ، نشر گیتاشناسی ، سال ۱۳۶۸ ، ص ۲۵ .
- ۱۳- گیتی اعتماد ، " فقدان طرح ریزی منطقه‌ای و پیدایش سکونتگاههای خود رو در ایران " مجموعه مقالات ، طرح ریزی کالبدی ، مرکز

- مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران چاپ اول ، سال ۱۳۷۱ ، صص ۳۵۹ - ۳۵۳ .
- ۱۴ - مرکز آمار ایران ، نتایج مقدماتی آمارگیری جمعیت ۱۳۷۰ ، روزنامه اطلاعات ، چهارشنبه ۱۳ آذرماه ۱۳۷۰ ، ص ۷ .
- ۱۵ - گیتی اعتماد ، سال ۱۳۷۱ ، صص ۳۵۹ - ۳۵۳ .
- ۱۶ - حبیب الله زنجانی ، ساخت جمعیت در ایران " ، مجله سیاسی ، اقتصادی ، شماره یازدهم ، ص ۴۷ .
- ۱۷ - افزایش هولناک جمعیت کشور ما را به کجا می برد ، مجله گزارش شماره ۲۴ و ۲۵ بهمن و اسفند ۱۳۷۱ ص ۲۷ .
- ۱۸ - حبیب الله زنجانی ، جمعیت و شهرنشینی در ایران ، جلد اول ، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی در ایران ، چاپ اول . سال ۱۳۷۰ ، جدول شماره ه ۱۵۰۱ .
- ۱۹ - رجوع شود به :
- حسین زاده دلیر حاشیه نشینی در جستجوی معنا و مفهوم . اطلاعات سیاسی ، اقتصادی ، سال ۱۳۷۰ .
- آلونک نشینی ، بغض پنهان جامعه شهری ، روزنامه همشهری ۱۴ اردیبهشت ۱۳۷۳ ص ۵ .
- ۲۰ - نتایج مقدماتی آمارگیری جمعیت ، سال ۱۳۷۰ روزنامه اطلاعات ۱۳ آذرماه ، سال ۱۳۷۰ ، ص ۷ .
- ۲۱ - استخراج از منبع شماره ۱۸ ، جدول شماره ۱ - ۱۹ و جدول ۲ - ۱۰ .
- ۲۲ - ضریب همبستگی یک ارزش ریاضی است که درجه و میزان همبستگی دو جامعه را که با یکدیگر ارتباط داشته و دارای افراد متناظری هستند ، تعیین می کند ، به مقدار ضریب همبستگی بین دو جامعه بین ۱ + و ۱ - متغیر است . در صورت وجود همبستگی قوی بین دو متغیر ، مقدار ضریب به ۱ + نزدیک خواهد بود . در اینجاست همبستگی بین دو متغیر باسواد و میزان مولید باروش پیرسون

- محاسبه شده است . برای اطلاع از روش محاسبه ضریب همبستگی پیرسون به منبع زیر مراجعه شود .
- ۲۳ - مسعودمهدوی ، آمار و روش های تجزیه و تحلیل داده هادر جغرافیا نشر قوسس ، تهران ، سال ۱۳۷۲ ، صص ۱۳۷ - ۱۳۵ .
- ۲۴ - نتایج مقدماتی آمارگیری جمعیت ، مرکز آمار ایران ص ۷ .
- ۲۴ - همان منبع .
- ۲۵ - هوشنگ امیراحمدی و فریدون نیک پور " رشد جمعیت و توسعه اقتصادی و اجتماعی در ایران " اطلاعات سیاسی ، اقتصادی ، شماره ۴۰ ، دی ماه ۱۳۶۹ ، صص ۵۱ - ۵۰ .
- ۲۶ - ابراهیم رزاقی ، ۱۳۶۷ ، صص ۱۲۶ ، ۱۱۶ .
- ۲۷ - محمدجلال عباسی ، حسن ملکی ، آموزش جمعیت ، گامی اساسی برای کنترل جمعیت در ایران ، خلاصه مقالات سمینار ، بررسی مسائل جمعیتی ایران ، مرکز جمعیت شناسی ، شیراز ، اردیبهشت ۱۳۷۲ ، صص ۳۶ .
- ۲۸ - ناتان کی خینز ، بحران جمعیت ، ترجمه قدرت الله معمارزاده ، ضمیمه دانشمند ، بهمن ۱۳۶۸ ، ص ۱۱ .
- ۲۹ - مایکل تودارو ، توسعه اقتصادی در جهان سوم ، ترجمه غلامعلی فرجادی ، جلد اول ، چاپ چهارم ، سال ۱۳۶۸ ، صص ۴۷۳ .
- ۳۰ - مصطفی عمادزاده " نظریه انسانی " فصلنامه تحقیقات جغرافیایی ، استان قدس ، شماره ۱۱ ، سال ۱۳۶۹ ، صص ۸۹ .
- ۳۱ - موسی غنی نژاد ، " رابطه بین جمعیت و توسعه از دیدگاه تحلیل اقتصادی " خلاصه مقالات سمینار جمعیت و توسعه منطقه ای ، - صندوق جمعیت سازمان ملل و مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران ، ۱۶ و ۱۷ اسفندماه سال ۱۳۷۳ صص ۲ - ۱ .
- ۳۲ - مرتضی قره باغیان ، اقتصاد رشد و توسعه ، نشر نی ، جلد دوم ، تهران ، سال ۱۳۷۱ ، صص ۶۷۰ .

ماخذ: اصغر نظری ، جغرافیای جمعیت ایران

